

ماجرای عشق و عاشقی میدون

فهمیدی یانه؟



پوریای عالمی

• بین بابای سوفیا، این خط، این هم نشان، یا سوفیا را به من می‌دهی یا من می‌روم از یک دختر دیگر خواستگاری می‌کنم. فکر نکنی من الکی تهدید می‌کنم. ها. من دقیقاً عین همان آقامه هستم که می‌خواست هوایما را بدزد، رفت توای کابین و اسلحه را گذاشت روی شقیقه خلبان و گفت: یا هرجا من می‌گویم می‌روی، یا... بنگ. (متأسفانه خبری از هوایما،ربا، خلبان و هوایما دیگر در دست نیست). بابای سوفیا به‌نفع خودت است که سوفیا را بدهی به من وگرنه می‌آیم جلو خانه‌تان خودم را آتیش می‌زنم. کلا من آدم قاطعی‌ای هستم. وقتی دعوا می‌شود، آجر را برمی‌دارم و قبل از اینکه به سمت طرف پرت کنم، اول می‌زنم توی سر خودم، تا حساب کار درست طرف بیاید. بین بابای سوفیا، من که پول‌ویله ندارم. خواسته حداقلی من این است که خودت شرایط را درک کنی و چمدانت را ببندی و بروی خانه دوستانت زندگی کنی. بعد من و سوفیا سال‌های سال با هم در خانه تو زندگی کنیم و کیفش را ببریم. آیا تو تن به این خواسته حداقلی من نمی‌دهی؟ نه؟ خیلی خب. من هم از امروز اشغال‌هایمان را می‌آورم می‌گذارم جلو در شما. ماشینم را هم جلو پارکینگ شما پارک می‌کنم. اصلاً می‌روم سه‌تا زن می‌گیرم می‌آیم واحد روبه‌رویی شما را اجاره به شرط تسخیر می‌کنم تا خودت این‌قدر حرص بخوری و دق کنی که ول کنی و بروی و من بمانم و سوفیا و این سه‌تا.

خلاصه این آخرین حرف من است. تا فردا فرصت داری سوفیا را بدهی به من و خودت هم جُل‌ویلاست را جمع کنی بروی تا من بیایم خانه تو و بشوم آقا و صاحب‌خانه و سرور. سوفیا هم که باید کنیزی‌ام را بکند. پس به‌نفع خودت و سوفیاست. چون این‌طوری سر سوفیا هم گرم می‌شود. اگر تا فردا رفتی که رفتی، اگر رفتی، من مجبورم کل برق محله‌تان را قطع کنم تا از گرما بپزید و با لباس خانه بیایی بیرون. بعد من سریع زنگ می‌زنم می‌گویم این آقا با لباس نامتعارف وارد شهر شده. همین که بردند، من می‌پریم خانه‌ات را اجاره به شرط تسخیر می‌کنم و سوفیا دیگر صددرصد خوشبخت و عاقبت به‌خیر می‌شود. فهمیدی یا نه؟ با احترام؛ میدون دوم، خواستگار سوفیا

شرق

روزنامه

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۳ تیر ۱۳۹۵ • ۱۷ رمضان ۱۴۳۷ • ۲۳ ژوئن ۲۰۱۶ • سال سیزدهم • شماره ۲۶۱۵ • ۲۰ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۷ • اذان مغرب ۲۰:۴۵ • اذان صبح فردا ۴:۰۳ • طلوع آفتاب ۵:۵۰

روزنامه‌فردا

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

محمدرضا ثقفی

در حاشیه آگهی استخدام ناسا، برای کار در مریخ!



منتظر بردن «آش با جاش» باشیم



بهمن کشاورز
حقوق‌دان

کار باشند و اطلاعات خود را به طور دائم روزآمد کنند، علاوه بر تخصص، واجد مزیت تجربه نیز خواهند شد. واضح است کسی که در رشته‌های فنی و علمی تجربه و تخصص دارد و دانشش را به طور مرتب روزآمد کرده، ناچار باید دست آمدی بیش از آنچه به افراد فاقد این اوصاف تعلق می‌گیرد، داشته باشد. آیا آنان که فعلاً موضوع حقوق دریافتی‌شان نقل یا نقل محافل می‌شود از این دیدگاه ارزیابی شده‌اند؟

سه نکته دیگر این است که باید بین اثر وجودی یک فرد در رده‌های مختلف مدیریت از نظر اقتصادی- یعنی از نظر میزان سودی که با اِعمال تخصص خود برای سازمان متبوع یا تابعش ایجاد می‌کند- با آنچه به‌عنوان حقوق و مزایا به او پرداخت می‌شود، تناسب وجود داشته باشد. آیا بررسی شده است که از قبل حضور این افراد در سازمان‌های‌شان چه میزان سود نصیب آن سازمان می‌شده است؟

چهار) باید پذیرفت این را که فردی با کارایی بالا که حاصل تحصیل طولانی و صرف وقت برای مطالعه و هزینه‌کردن برای روزآمدکردن اطلاعات بوده، به‌طور طبیعی دستمزد چشمگیری که با این عوامل تناسب داشته باشد، مطالبه می‌کند. اگر جز این باشد یا باید در خرد او شک کرد و یا در حسن‌نیتش، بگذریم از شخصیت‌های بسیار نادری مانند مرحوم نریمان، وزیر دارایی کابینه مرحوم مصدق که گفته‌اند پس از وفاتش در خانه کوچک و محقر استیجاری او، دو دست لباس و یک پالتو، یک چراغ خوراک‌پزی و تعدادی ظرف آلومینیومی و چند جلد کتاب باقی مانده بود. نسل

این‌گونه افراد در سراسر جهان، ازجمله ایران منقرض شده یا در حال انقراض است. باید توجه کرد اگر کسی معادل تخصص و تجربه و کارایی‌اش مطالبه حقوق و مزایا و پاداش کند، به هیچ‌وجه نباید او را سرزنش کرد. پنج) گفتیم، در حالتی نسبت به حسن‌نیت افراد باید تردید کرد؛ توضیح می‌دهیم که وقتی کسی برای کاری که عرفاً برای آن حقوق درخور توجیهی وجود دارد، رقمی بسیار اندک را می‌پذیرد و حتی برای به‌دست‌آوردن این سمت، اصرار می‌کند، آنچه متبادر به ذهن می‌شود، این است که شاید به «مداخل» این سمت از هر قبیل پی‌انداخت. همان مداخلی که باعث شد قانون‌گذار در قانون تشدید مجازات اختلاس و ارتشا و کلاهبرداری مصوب ۱۳۴۷، اخذ پورسانت را جرم اعلام و همین‌طور تحصیل مال نامشروع را به‌طور مطلق جرم‌انگاری کند؛ عنوانی چنان وسیع که هر چیزی در آن جای می‌گیرد.

خلاصه اینکه وقتی فردی با تخصص و تجربه و هوشیاری کافی به اشتغال به کاری حساس و پرمسئولیت که جنبه‌های مالی چشمگیر دارد، تن در می‌دهد، بدون اینکه دستمزد و مزایایی درخور و متناسب با آن مطالبه کند، باید منتظر گم‌شدن یا جابه‌جاشدن اقام و ارقام بسیار بزرگ در سازمان او باشیم و احتمالاً ناظر بردن «آش با جاش» بشویم.

شش) سوابق تاریخی نیز نشان می‌دهد که صرفه‌جویی و سخت‌گیری در این‌گونه موارد اقدامی غیراقتصادی است؛ زیرا از یک‌سو، کارایی سازمان را کاهش می‌دهد و از دیگر سو، به احتمال فساد و کج‌روی دامن می‌زند، والله اعلم.

گزارش

تمام کشتگان آن اتوبوس، سرباز بودند

کشور، در این عزا، سیاه پوشیده‌اند چراکه به رسم آن جمله معروف خدمتی که می‌گفت «تشویق برای یک نفر و تنبیه برای همه»، سربازها هر جا که باشند به‌خاطر موقعیت مشابه‌شان، خود را دوست و برادر و سرباز می‌دانند. در سوگ آنها، سربازان در ساعت‌های تنهایی شبانه بالای برج‌ها و کنار دیوارهای پادگان؛ شب در خستگی پیچیده لای پتوهای پلنگی به این فکر می‌کنند که آیا خدمت خود را تمام می‌کنند؟ تمام کشتگان سقوط آن اتوبوس، «سرباز» بوده‌اند و خدا به خیر کرده که همه سربازها، بیمه هستند.

را از ساعت پنج صبح با بیدارباش شروع می‌کردند و شب، در ساعت ۱۲، نوبت خاموشی آسایشگاه‌هایشان می‌رسید؛ سربازانی که هر روز وقتشان به سه قسمت تقسیم می‌شد؛ اول بیدارشدن، نماز و صبحگاه، دوم شرکت در کلاس‌های عقیدتی و دانش پایه برای آشنایی با قوانین نظام و یادگان و سوم، رژه، ساعت‌های طولانی آموزش؛ چطور راه‌رفتن، چطور قدم‌برداشتن، چطور اسلحه و کلاه آهنی و سرنیزه و فانوسقه را با خود حمل‌کردن، چطور احترام نظامی دادن و... امروز نه‌فقط سربازان یک پادگان در استان کرمان، بلکه سربازان کل

شرق؛ تمام کشتگان سقوط اتوبوس در «فارس»، «سرباز» بوده‌اند. داشته‌اند از یادگان «۰۵» کرمان به شیراز می‌آمده‌اند، لابد با «وضعیت ناقص» و دیگر هیچ‌وقت فرصت نمی‌کنند «وضعیت کامل» کنند. این اولین چیزی است که یک سرباز در آموزشی یاد می‌گیرد، اینکه چطور لباس بپوشد، چطور لباسش را مرتب کند و چطور برای حضور در فضای نظامی با تیپ آن‌کادرشده آماده باشد. حالا امسا پادگان «۰۵» ارتش که به‌تازگی در زمره بهترین پادگان‌های آموزشی کشور قرار گرفته بود، عزادار سربازان خود شده است؛ سربازانی که با یک برنامه ساده هرروز

کارنامه‌ی روزنامه‌نگاری

روزنامه‌ی شرق

باهمکاری دانشکده‌ی علوم ارتباطات
دانشگاه علامه طباطبائی برگزار می‌کند

یکشنبه ۲۰ تیر ۱۳۹۵ ساعت ۱۳

روزنامه‌نگاری ورزشی



سردبیر سایت ورزش سه

یکشنبه ۲۰ تیر ۱۳۹۵ ساعت ۱۷

روزنامه‌نگاری سینمایی



سردبیر مجله‌ی فیلم

دوشنبه ۲۱ تیر ۱۳۹۵ ساعت ۱۳

روزنامه‌نگاری دیپلماسی



سردبیر سایت‌های دیپلماسی ایرانی و تاریخ ایرانی

سه‌شنبه ۲۲ تیر ۱۳۹۵ ساعت ۱۳

روزنامه‌نگاری سیاسی



سردبیر سابق و عضو کنونی شورای سیاستگذاری روزنامه‌ی شهروند

دوشنبه ۲۱ تیر ۱۳۹۵ ساعت ۱۷

روزنامه‌نگاری حادثه



سردبیر هفته‌نامه‌ی شوک

چهارشنبه ۲۳ تیر ۱۳۹۵ ساعت ۱۷

روزنامه‌نگاری هنری

شورای دبیران مجله‌ی حرفه: هنرمند

سه‌شنبه ۲۲ تیر ۱۳۹۵ ساعت ۱۷

روزنامه‌نگاری اقتصادی



سردبیر روزنامه‌ی دنیای اقتصاد

چهارشنبه ۲۳ تیر ۱۳۹۵ ساعت ۱۳

روزنامه‌نگاری سبک زندگی



سردبیر روزنامه‌ی هفت صبح

■ کارگاه‌ها بر اساس ایده انتقال تجربه و به صورت **سمینار یا مسترکلاس** و با طراحی مدرس مربوطه، در یک **جلسه ۱۵۰ دقیقه‌ای** برگزار می‌شود. ■ هزینه شرکت در هر کارگاه **۵۰ هزار تومان** است. ■ **ظرفیت در هر کارگاه محدود است** و به نظر مدرس بستگی دارد. ■ برگزاری دوره مجدد فعلاً در دست بررسی است. ■ بر اساس انتخاب مدرس‌ها از بین شرکت‌کنندگان، **نفرات مستعد** انتخاب می‌شوند و برای ثبت‌نام در دوره‌ای ۸ جلسه‌ای (+سه‌جلسه کارآموزی در تحریریه) **معرفی خواهند شد**. ■ شرکت در دوره‌های عملی ملزم به شرکت در مسترکلاس است. ■ به شرکت‌کنندگان **گواهی شرکت در دوره** تقدیم خواهد شد. ■ علاقه‌مندان می‌توانند برای کسب اطلاعات بیشتر و **ثبت نام** از ساعت ۱۰ تا ۱۶ با شماره ۸۸۶۵۴۳۹۰ (داخلی ۱۰۱) یا ۰۹۳۰۵۱۱۶۷۳۳ تماس بگیرند. ■ **محل برگزاری کارگاه‌ها** سالن آمفی‌تئاتر دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه، واقع در خیابان احمدقصر (بخارست)، نبش خیابان شهیدبهشتی است.